

بحران مالی جهان و راهکارهای منطقه‌ای برای مقابله با آن

در حال حاضر، هیچ کشوری نمی‌تواند ادعا کند که از اثرات مشکلات اقتصادی جهان مصون مانده است. کشورهای جهان متناسب با میزان وابستگی و همکاری خود با کشورهای بحران‌خیز (آمریکا و کشورهای اروپایی)، تأثیرپذیری متفاوتی از بحران اخیر داشته‌اند. اما حتی مستقل‌ترین و بسته‌ترین اقتصادهای دنیا نیز تأثیرات منفی و زیان‌های ناشی از این بحران را چشیده‌اند. در شرایط کنونی تنها اقدامات بین‌المللی جهت رفع بحران مؤثر نخواهد بود و در واقع در صورت مفید بودن آنها، هیچ بحرانی بوجود نمی‌آید، بنابراین باید از راهکارها و ابزارهای کمکی همچون همکاری‌های منطقه‌ای جهت عبور از این بحران بهره برد.

افزایش تورم در کشورهای تولیدکننده شد. بحران مالی آمریکا که عمدتاً از بخش مسکن این کشور به دلیل عدم کارایی راهکارهای ارائه شده (از جمله کاهش نرخ بهره و کمک‌های مالی) آغاز شد، نه تنها اقتصاد این کشور، بلکه اقتصاد سایر کشورهای جهان را با رکود مواجه ساخته است. آشفته‌گی مالی در آمریکا و اروپا به اندازه‌ای حاد می‌باشد که حتی طرح‌های دولتی برای کمک به اقتصاد این کشورها نتوانست مشکلات را حل نماید.

نباید فراموش کرد که آمریکا با ۱۴ هزار میلیارد دلار درآمد، ۲۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را در اختیار دارد. بنابراین، طبیعی است که کارکرد اقتصاد آمریکا بر اقتصاد جهان اثر عمیقی داشته باشد. علاوه بر وابستگی

تاریخ نشان داده که افراط در زمینه‌های مختلف اقتصادی ممکن است به سقوط اقتصادی منجر شود. با مطالعه وضعیت اقتصادی جهان در دهه اخیر، این واقعیت بیشتر درک می‌شود. در طول چند سال اخیر شاهد افزایش بی‌سابقه قیمت نفت بوده‌ایم که بر عدم توازن تجاری و اقتصادی در اکثر کشورهای جهان دامن زده است. این افزایش تحت تأثیر بحران امنیتی جهان و جنگ افغانستان و عراق، افزایش نقدینگی، بروز مشکلات اقتصادی و مالی آمریکا و ورود سرمایه زیاد به بازارهای جهانی (به ویژه انرژی) صورت گرفت. تداوم روند افزایشی قیمت نفت، تأثیر منفی بر اقتصاد جهانی داشته، از یک سو باعث ایجاد رکود در کشورهای مصرف‌کننده و از سوی دیگر باعث

شدید اقتصادی میان آمریکا و اروپا، ایالات متحده، شریک عمده تجاری اروپا محسوب می‌شود. البته ناگفته نماند که تأثیرپذیری اروپا از آمریکا بیشتر در بخش سهام بود تا سیستم بانکی. رکود اقتصادی در سطح ایالات متحده که بزرگترین کشور مصرف‌کننده جهان است، عامل بازدارنده برای رونق اقتصادی در سطح دنیا محسوب می‌شود. به همین دلیل دوره انتظارات خوش‌بینانه به پایان رسید و سهامداران مجبور شدند تا سرمایه‌های خود را به سایر اشکال دارایی تبدیل کنند.

بحران غذایی و نفتی یک سال اخیر و نابسامانی کنونی وضعیت مالی و اقتصادی در جهان، همگان را نگران کرده است و بیم آن می‌رود که وقایع دهه ۱۹۳۰ تکرار شود. در حال حاضر تقاضای جهانی ۵۰٪ کاهش یافته و اقتصاد جهان، برای خروج از این بحران، نیازمند تضمین‌های مالی کافی می‌باشد. افزایش تقاضا برای توسعه حمایت‌های دولتی و بستن بازارهای داخلی به روی محصولات خارجی، رقابت جهانی را کاهش خواهد داد. با توجه به بی‌نظمی حاکم بر جهان، به قوانین و مقررات بیشتری نیاز است و باید به گونه‌ای عمل شود که اعتماد جهانی به بازار باز گردانده و به سرمایه‌گذاران اطمینان داده شود که هنوز سیستم مالی و تجاری جهان براساس قانون عمل می‌کند. مسلماً، هیچ‌کس تمایلی به سرمایه‌گذاری در موضوعات پر ابهام ندارد. خطر بازگشت به دوران حمایت‌گرایی^۱ آنقدر مبهم است که نمی‌توان حمایت عمومی را برای مبارزه با آن فراهم کرد. در حال حاضر بسیاری از کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه نیازمند منابع مالی هستند و امیدوارند دوران بحران فعلی کوتاه باشد. در واقع هزینه‌های شکست

مذاکرات دوحه و رونق مجدد حمایت‌گرایی، بسیار زیاد خواهد بود. نکته قابل توجه این است که حمایت‌های دولتی مغایر تعهدات کشورها به جامعه بین‌المللی به ویژه سازمان جهانی تجارت می‌باشد. به همین دلیل، طرح حمایت دولت آمریکا برای حمایت از خودروسازان این کشور واکنش شدید اتحادیه اروپا را به همراه داشته و کشورهای مذکور هشدار داده‌اند که در صورت تحقق این طرح، در سازمان جهانی تجارت اقامه دعوی خواهند کرد.

طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ میلادی، تولید ناخالص داخلی جهان از رشد ۵ درصدی برخوردار بود، اما بعد از چندین سال رشد بالا، به دلیل مشکلات مالی اخیر که از دهه ۱۹۳۰ تاکنون بی‌سابقه بوده، با کاهش چشمگیری روبرو شده است به گونه‌ای که طبق پیش‌بینی انجام شده در سال ۲۰۰۸ به ۳/۷ درصد می‌رسد. با توجه به این که تنها اقدامات بین‌المللی برای مقابله با بحران کافی نمی‌باشد، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در این زمینه می‌تواند، گذرگاه بحران را امن‌تر نماید.

ارائه راهکارهای منطقه‌ای جهت خروج از بحران

کشورهای جهان برای مقابله با بحران مالی سعی نموده‌اند برای یافتن راه‌های جدید علاوه بر ارائه راهکارهای بین‌المللی، همکاری‌های خود را در قالب سازمان‌های منطقه‌ای نظیر شانگهای، اتحادیه اروپا، کشورهای مشترک‌المنافع، اقتصادهای نوظهور صنعتی آسیا^۲، گروه هفت، همکاری آسیا-اروپا (آسم)، شورای همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس، آسه‌آن و آپک توسعه دهند. در حال حاضر همکاری بین‌المللی در بسیاری از سازمان‌ها از جمله سازمان جهانی تجارت با

2. Newly Industrialized Asian Economies (NIEs)

هنگ‌کنگ، کره جنوبی، سنگاپور و تایوان، اعضای این گروه را تشکیل می‌دهند.

1. Protectionism

رکود مواجه شده و در برخی از زمینه‌ها نیز به بن‌بست رسیده است. برخی از کارشناسان معتقدند در صورت اتخاذ سیاست‌های افزایش تعرفه‌ها نظیر آنچه که در دهه ۱۹۳۰ در جهان اتفاق افتاد، تلاش چندین ساله جامعه جهانی جهت تنظیم اقتصاد و تجارت جهانی به نتیجه دلخواه دست نخواهد یافت. توسعه همکاری‌ها در قالب سازمان‌های منطقه‌ای همواره به عنوان رهیافتی جهت خروج از بحران‌های بین‌المللی، مورد توجه بوده است. در نیمه اول سال ۲۰۰۸ شاهد تحولات مشابه و گاهی متفاوت در جهان بوده‌ایم. به دلیل افزایش قیمت مواد غذایی و انرژی، تقاضا در منطقه آسه‌آن و اقتصادهای نوظهور صنعتی آسیا رو به کاهش نهاد و رکود اقتصادی را افزایش داد. تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۸ در منطقه اقتصادهای نوظهور صنعتی آسیا با ۲/۷ درصد کاهش به ۳/۹ درصد می‌رسد، اما کاهش آن در منطقه آسه‌آن که با ۰/۷ درصد کاهش به ۵/۵ درصد رسید، کمتر بود. منطقه سارک به لحاظ رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در سال ۲۰۰۷ از رشد اقتصادی بالایی (حدود ۹ درصد) برخوردار بود ولی در سال ۲۰۰۸ به دلیل افزایش قیمت‌های جهانی و افزایش تورم، تولید ناخالص داخلی آن به ۷/۱ درصد کاهش یافت.

هم اکنون برخی از سازمان‌های منطقه‌ای جهت افزایش توانایی خود برای مقابله با بحران‌های کنونی و آتی، طرح‌هایی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. برخی از راهکارهایی که می‌تواند سازمان‌های منطقه‌ای را در عبور و خروج از بحران یاری نماید به شرح زیر می‌باشد:

الف) تأسیس صندوق مبارزه با بحران

تأسیس صندوق بین‌المللی پول، ابتدا موجب دلگرمی بسیاری از کشورهای جهان، مخصوصاً کشورهای درحال توسعه و کمتر توسعه یافته شد، اما دیری نگذشت

که همه از ناکارآمد بودن آن در حل مشکلات مالی جهان به دلیل تحمیل شرایط حامیان، آگاهی یافتند. مؤسسان اصلی صندوق مذکور که آمریکا در رأس آنان قرار دارد، مقررات آن را به گونه‌ای تنظیم نمودند که بیشتر تأمین‌کننده منافع آنان باشد. به همین دلیل در برخی مواقع کشورهای دریافت‌کننده وام، مجبور شدند زیر بار اصلاحات ساختاری فشرده بروند که گاهی اوقات، عملاً نتیجه معکوس داشته است، اما تأسیس صندوق مقابله با بحران در سطح منطقه‌ای با مقررات مخصوص خود که مناسب تمام کشورهای عضو همان تشکیلات منطقه‌ای باشد، می‌تواند کارایی بیشتر و مؤثرتری داشته باشد. بنابراین تأسیس چنین صندوقی باید به عنوان یک ضرورت جهت توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، در دستور کار اقدامات اساسی یک سازمان منطقه‌ای قرار گیرد.

ب) تسهیل تجارت درون منطقه‌ای

ایجاد شرایط لازم برای توسعه تجارت درون منطقه‌ای، می‌تواند رکود موجود را کاهش داده و رونق لازم را به بازارهای بین‌المللی بازگرداند. در واقع کاهش تقاضای جهانی، موجب افت صادرات خواهد شد، در نتیجه صنایع به سمت کاهش تولید پیش رفته و بیکاری افزایش خواهد یافت. آنچه مسلم است در نظر گرفتن گسترش دامنه ترجیحات تجاری، رونق بیشتری ایجاد نموده و گردش بازار سرمایه را روان تر می‌کند.

ج) تأسیس و تقویت شرکت‌های بیمه منطقه‌ای

تضمین اصل سرمایه و دارایی، یکی از راه‌های کاهش خطرپذیری در اقتصاد جهان می‌باشد. همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیازمند یک سیستم بیمه‌ای کامل هستند تا تجار با اطمینان بیشتری در جهت توسعه فعالیت‌های اقتصادی خود قدم بردارند. تأسیس

شرکت‌های بیمه منطقه‌ای و ایجاد خدمات (پوشش) بیمه‌ای برای مقابله با بحران، این امکان را فراهم می‌سازد تا در مواقع بحرانی، زیان‌های وارده به حداقل برسد. سازمان همکاری اقتصادی (اکو) از بدو شکل‌گیری، این موضوع را در اولویت قرار داده؛ شرکت بیمه اتکایی اکو، اولین اقدام این سازمان برای ایجاد اطمینان در سیستم تجاری کشورهای عضو می‌باشد. خدمات بیمه‌ای ویژه مقابله با بحران در منطقه اکو، امیدواری بیشتری را برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایجاد می‌کند.

د) تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری مشترک

همانطور که عملاً در بحران اخیر مشاهده شد، زیرساخت اقتصادی قوی و بالابودن تولید ناخالص داخلی، عاملی مهم برای رهایی از بحران است. سرمایه‌گذاری مشترک در زمینه‌های مستعد در هر کشور، قطعاً به رشد اقتصادی کمک می‌کند. صندوق سرمایه‌گذاری مشترک یک گزینه مناسب برای تجمیع سرمایه‌های سرگردان جهت پیش‌برد طرح‌های بزرگ و تقویت زیرساخت اقتصادی مناطق مختلف جهان است.

ه) تعیین پول واحد

تجربه برخی از سازمان‌های بین‌المللی همچون اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که ایجاد پول واحد اروپایی و استفاده از آن در تجارت درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای از دو جنبه قابل تأمل است؛ اول اینکه با توجه به تنوع وضعیت اقتصادی کشورهای عضو، قدرت اقتصادی کشورهای توانمند باعث تقویت پول واحد خواهد شد، دوم اینکه نوسانات این ارز به دلیل داشتن پشتوانه قوی، کمتر می‌شود.

و) بهره‌گیری از کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی

با توجه به اینکه سازمان‌های بین‌المللی و آژانس‌های تابعه آنها، نظیر آنکتاد و یونیدو، کمک‌های

خود را ترجیحاً در قالب طرح‌های منطقه‌ای ارائه می‌دهند، هر سازمان منطقه‌ای می‌تواند با هماهنگی مناسب، کمک‌های بیشتری را به خود اختصاص دهد.

نتیجه‌گیری

بحران اقتصادی جهان به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر تمام کشورهای جهان اثر گذاشته است. تلاش دولت‌ها برای کمک به حل مشکلات اقتصادی کشورشان معمولاً از دو بعد سیاسی و اقتصادی صورت می‌گیرد و برخی از آنان بر بعد سیاسی آن بیشتر تأکید می‌نمایند تا آرامش نسبی را بر جامعه حاکم کنند. تولید ناخالص ملی بالا و ذخایر ارزی قوی می‌تواند پشتوانه‌ای ارزشمند جهت مقابله با بحران‌های مالی باشد، اما در شرایط سخت و سنگین، تنها می‌تواند به عنوان مُسکنی موقت، به صورت مقطعی رهگشا باشد. مسلماً برای رفع مشکلات ناشی از بحران‌های جهانی و اثرات منفی آنها، همکاری در بعد منطقه‌ای اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا بهتر به نیازهای واقعی کشورهای منطقه توجه دارد. نگاهی به مشکلات مالی جهان طی یک قرن اخیر، نشان می‌دهد که در هنگام به بن‌بست رسیدن مذاکرات بین‌المللی، همکاری در بعد منطقه‌ای بسیار مفید و چاره‌ساز بوده است. سازمان همکاری اقتصادی (اکو) نیز همچون سایر سازمان‌های منطقه‌ای، جهت کمک به کشورهای عضو در مقابله با بحران مالی، باید از موقعیت ویژه خود در منطقه حداکثر بهره را ببرد و با ایجاد راهکارهای نوین برای مقابله با بحران، رکود اقتصادی موجود در منطقه را به رونقی باثبات تبدیل نماید.

محمد رضا علی پور ناندل

اداره امور اکو - وزارت امور خارجه